



اسم اسنپ‌فود باید اصلاح شود

احمدوحیدی، وزیر کشور با اشاره به هک اطلاعات سکوی اسنپ‌فود بیان کرد: «بسیاری از هکرها دست به کلاهبرداری می‌زنند تا بتوانند در برابر فروش اطلاعات پولی را به دست بیاورند.» او ادامه داد: «در خصوص سازمان مربوط یعنی اسنپ‌فود که البته اسمش هم باید اصلاح شود زیرا فود یک کلمه انگلیسی است، اعلام کردند که مذاکره برای بازپس گیری اطلاعات را انجام داده‌اند. کسانی که اطلاعات شهروندان را در اختیار دارند، حتماً باید نسبت به حفاظت از اطلاعات کاربران حساس باشند؛ این جزو ضعف‌هایی بود که در خصوص این سازمان وجود داشته است.»



تورم ۴۰ درصدی تحمل نمی‌شود

حسین گودرزی، نماینده مجلس یازدهم در نشست صحن علنی روز گذشته مجلس خطاب به رئیس دولت سیزدهم گفت: «مردم تورم بالای ۴۰ درصد و گرانی روزافزون اقلام خوراکی و معیشتی به‌ویژه گوشت کیلویی ۶۰۰ هزار تومان را تحمل نخواهند کرد، تا دیر نشده و توفیقات روزافزون دولت در سایه این مشکلات به فراموشی سپرده نشده، کاری کنید.» او همچنین در تذکری به وزیر کشور گفت: «فرماندار ازنا هفته‌های اخیر به‌صورت علنی در مجامع و جلسات عمومی علیه نماینده فعلی و کاندیدی این دوره مجلس سخن می‌گوید، به نظر شما آیا ایشان از حداقل تجربه حرفه‌ای در مسئولیتی که به او سپرده‌اید، برخوردار است؟ آیا ایشان به عنوان مسئول برگزاری انتخابات شهرستان می‌تواند سلامت انتخابات را رکن مورد نظر مقام معظم رهبری است را رعایت کند؟»



طوفان الاقصی و دانش آموختگان مکتب حاج قاسم

حسن حسن‌زاده، فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران در جمع خبرنگاران در سویم جشنواره کارمند تراز مکتب حاج قاسم سلیمانی گفت: «باید همانند حاج قاسم مردم را ولی نعمت خود بدانیم. مهمترین ویژگی مکتب حاج قاسم و خود سردار سلیمانی مردمی بودن، مردمی رفتار کردن، به فکر مردم بودن و در اولویت قرار دادن حل مشکلات مردم است که باید توسط کارمندان و کارکنان دنبال شود.» او همچنین گفت: «دشمنان به همان میزان که از سردار سلیمانی هراس داشتند امروز از پیروان مکتب حاج قاسم هراس دارند. اینکه می‌بینید دشمنان زائرین حاج قاسم سلیمانی را به شهادت می‌رسانند، چون آن‌ها به خوبی می‌دانند این‌ها دانش آموختگان مکتب حاج قاسم هستند که خودشان عملیات با عظمت طوفان الاقصی را طراحی و اجرایی می‌کنند و به سرانجام می‌رسانند.» حسن‌زاده در پایان گفت: «عاملان و قاتلان شهادت حاج قاسم سلیمانی نمی‌توانند رویش‌های جدید را تحمل کنند و نمی‌توانند این همه سیل عظیم نوجوانان، جوانان، ملت‌ها و مردمی که عاشقانه به مکتب حاج قاسم روی می‌آورند و این مکتب را روش راهبردی خود قرار می‌دهند، تحمل کنند. دشمنان به همان میزان که از سردار سلیمانی هراس داشتند امروز از پیروان مکتب حاج قاسم هراس دارند برای همین اقدام خبیثانه و جنایتکارانه و این عملیات تروریستی را در کرمان انجام دادند.»

سورگ بی‌پایان

بازخوانی پرونده هواپیمای اوکراینی در چهارمین سالگرد آن



کس: Getty Images



منصوره محمدی
خبرنگار گروه سیاسی

«هواپیما آتش گرفته، بسم‌الله الرحمن الرحیم، خدایا خودت کمک کن، رنگ بزن آتش نشانی.» این جملات بریده و پراضطراب به همراه فیلمی از یک سقوط، نخستین مواجهه غمبار بسیاری از ما با حادثه‌ای بود که نمی‌دانستیم چه رخدادی در پس آن است؛ حادثه‌ای که بیان غیرشفاف علت آن، اعتماد اجتماعی را بیش از گذشته آب کرد و باور به حرف مقامات را سخت‌تر! مردمی که گمانه‌زنی‌های اولیه سقوط را غیرواقعی می‌دانستند و مقصر بودن عامل داخلی در این فاجعه تلخ انسانی را غیرممکن، حالا به نقطه‌ای رسیده‌اند که در پی تردید و اضطراب برخی حوادث اولین حرف‌شان این است: «واقعیت غیر از این است...»

از انکار تا واقعیت

ساعت ۱۹:۰۶ دقیقه صبح ۱۸ دی‌ماه سال ۱۳۹۸ است، تنها چند ساعت از «انتقام سخت» ایران از پایگاه عین‌الاسد گذشته است و همه ما با یک سوال بزرگ که «چه خواهد شد؟» شب را به صبح نرسانده با یک حادثه ناگوار دیگر روبه‌رو شده‌ایم؛ حادثه‌ای که در آن ۱۷۶ انسان پس از ثبت آخرین لحظه‌های حضورشان در کنار خانواده در آسمان ایران به تاریخ سپرده شدند. اظهارنظرهای اولیه نقص فنی هواپیما را عامل اصلی سقوط مطرح می‌کرد، سخنگوی اورژانس کشور در مصاحبه‌ای با ایرنا در دقایق اولیه حادثه اعلام می‌کند که هواپیما دچار نقص فنی شده و سقوط کرده است. سخنگوی سازمان هواپیمایی نیز در نخستین اظهارنظر در گفت‌وگو با ایلنا علت حادثه را نامشخص می‌گوید. ساعتی پس از حادثه اولین ویدئو از سقوط هواپیما منتشر می‌شود و تنها چند ساعت بعد از انتشار آن برخی رسانه‌های خارجی همچون ایندپیندنت و نیویورک‌تایمز با استناد به تصاویر منتشرشده از محل سقوط، احتمال اصابت موشک و یا تیراندازی را مطرح و همین‌ها را عامل سقوط دانستند.

اما این موضوع از سوی مقامات ایرانی تکذیب می‌شود. علی‌عابدزاده، رئیس سازمان هواپیمایی کشوری ۱۹ دی‌ماه

روایت بازماندگان

۴ فروردین‌ماه‌ای اولیه پرونده صادر شد و هنوز منتظر صدور رای نهایی هستیم اما همچنان بحث بر سر این پرونده و اتفاقات آن روز بسته نشده است. چه اتفاقی افتاد که تصور می‌شود پیگیری قانع‌کننده برای خانواده قربانیان انجام نشده است؟

اسدی لاری: ۲۰ جلسه دادگاه در ایران تشکیل شد. دو جلسه در آذرماه ۱۴۰۰ و بقیه جلسات به دلیل اعتراض ما به کیفرخواست پیش نرفت و عملاً یک سال متوقف ماند و مجدداً در آذرماه ۱۴۰۱ جلسات شروع شد و در نهایت در فروردین سال جاری حکم را صادر کردند؛ حکمی بسیار سبک و به تعبیر من سخیف بود چراکه هیچ‌گونه جامعیتی نداشت. در تمام مراحل تحقیق، بازرسی و رسیدگی دادگاه و حکم هیچ کدام عادلانه نبود. آقای (م.خ) که فرمانده سامانه بود از ابتدای این فاجعه و از همان روز در انفرادی بود تا فروردین‌ماه که ما خبر داریم و تا دو ماه بعد نیز زندانی بوده است اما از بعد آن خبر نداریم. ایشان روی هم رفته ۱۳ سال حبس داشت که با گذراندن یک‌سوم می‌توانست آزاد شده باشد و احتمالاً آزاد شده است اما برای بقیه نیز حکم‌های بسیار سبک صادر شده و اختلاف بین حکم‌های ارتشی‌ها که دو نفر از SOC (مرکز عملیات منطقه‌ای پدافند تهران) بودند بسیار متفاوت با دیگر حکم‌ها بود. به این احکام اعتراض کردیم و با دلایل متقن موضوعات متفاوتی که در دادگاه گفته بودیم و رسیدگی نشد و یا به صورت ناقص مورد رسیدگی قرار گرفته بود را به دیوان عالی کشور اعلام کردیم. اما دیوان عالی هم مشخص نبود که پرونده ما را به کجا و کدام شعبه ارجاع داد. مدام می‌گفتند که محرم‌نامه است و به وکلای ما هم چیزی نمی‌گفتند. به هر حال به صورت کاملاً اتفاقی در آبان‌ماه امسال متوجه شدیم که به کدام شعبه ارجاع داده شده است و رئیس محترم آن شعبه نیز به وکیل ما به صورت سریایی گفته بودند دوست و خورده‌ای پرونده جلوی شما است و این نشان می‌دهد که اراده‌ای برای این قضیه نیست. در جریان دادخواهی به صورت مشخص از ابتدا شکایت خود را علیه همه عوامل اعم از نظامی و غیرنظامی مطرح کرده بودیم و فرماندهان اصلی را اسم برده بودیم اما به هر حال با توجه به روند و تصمیم قوه قضائیه تمام شکایت‌ها قرار شد که در سازمان قضایی نیروهای مسلح متمرکز شود و بنابراین حتی شکایت‌های غیرنظامی ما را نیز به این امید که در همان جارسیدگی می‌شود، شکایت دیگری را اصلاً ثبت نمی‌کردند. در نهایت بعد از صدور حکم فرودین و اعتراض ما به این حکم، شکایت دیگری را نیز به مجتمع کارکنان دولت شعبه ۲۸ اردیبهشت‌ماه علیه یکی از مسئولان اصلی سازمان هواپیمایی کشوری ثبت کردیم و به جای اینکه رسیدگی کاملی انجام شود متأسفانه حدود ده روز پیش حکمی به صورت قطعی دادند که اعلام برائت آن فرد را اعلام کردند. ما معتقد بودیم به موضوع هواپیما از همان لحظه اول که باخبر شدیم، رسیدگی درستی نکردند. چرا از صحنه مواظبت نکردند و گذاشتند که افراد غیرمسئول وارد صحنه شوند و متأسفانه صحنه را امنیتی‌ها و همان سازمانی که شلیک‌کننده به هواپیما بود اداره می‌کرد و اصرار به این داشتند که عملیات جست‌وجو و جمع‌آوری اجساد عزیزان ما و اموال آن‌ها را سریع به پایان برسانند. حتی فرمانده نیروی انتظامی غرب استان تهران اصرار کرده بود که سرباز کم دارم و محوطه خیلی بزرگ است و مسئول اصلی آن صحنه که از سازمان هواپیمایی کشوری است، گفته بود صحنه را ساعت چهار بستند؛ در صورتی که الان ما می‌دانیم به ضرس قاطع که اجساد به صورت کامل جمع نشده بودند و نیروهای علاقمند از ژرمن‌دی به‌ویژه از هلال احمر در صحنه بودند

محسن اسدی لاری و زهرا مجد خانوادۀ دو نفر از کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی:

همچنان پیگیر پرونده هواپیمای اوکراینی هستیم

کردن با بچه‌ها و عشق و امید آن‌ها و به این امید که به‌زودی آن‌ها را می‌بینیم و حتی بلیت‌ها را گرفته بودیم، طی دو الی سه ساعت ناگهان این انفجار خبری به ما رسید و در واقع وجود ما منفجر شد. بعد از آن به موجود دیگری تبدیل شدم و من سابق دیگر وجود ندارد و توانستم هیچ راهی برای کنار آمدن با آن پیدا کنم. البته به صورت‌های دیگری سعی کردیم با این مسئله مصالحه کنیم.

بسیاری از مردم معتقدند یکی از دلایل ایجاد شکاف میان مردم و مسئولین طی یک دهه اخیر، عدم پاسخگویی دقیق و به‌موقع و اقتناع افکار عمومی پس از حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی است. آیا با این مسئله موافق‌اید؟

مجد: داغ عزیز یک جنبه سوگ ما بود، داغ و عزیز، سوگ را مضاعف می‌کرد و داغ عزیزانی که انتظار شادی و موفقیت و پیشرفت را برای آن‌ها داشتیم، علاوه بر آن اینکه متأسفانه فاجعه توسط حافظان امنیت پیش آمده بود و جایی که انتظار داشتیم از ما حمایت شود این اتفاق افتاد. در جایی که این فاجعه توسط یک دشمن خارجی ایجاد شده باشد، حمایت‌های رسانه داخلی و آزادی ابراز خشم و واکنش‌های درونی ما و همراهی جمعی همه اینها می‌تواند به ما کمک کند که بهتر با این مسئله کنار بیاییم اما ما از جنبه‌ای سه روز حرف راست نشنیدیم، حتی خودمان هم نمی‌توانستیم باور کنیم که چنین اتفاقی توسط سپاه رخ داده باشد و اگر روزهای اول این را به ما می‌گفتند، تکذیب می‌کردیم. بعد از آن محدودیت‌هایی که برای ابراز احساسات خود داشتیم هم مزید بر علت بود. البته آن روزها نمی‌فهمیدیم که چگونه می‌گذرد اما برخی از افراد می‌گفتند که اعتراضاتی شده به‌ویژه از سوی دانشجویها و یا آنها بر خورد شده است و اینها همه مزید بر علت می‌شد. سوگ جمعیتی به این دلیل است و آنجا که باید با ما همراهی نشد و نه تنها از خشم ما کاسته نشد، بلکه از جنبه‌های مختلف با محدودیت نیز روبه‌رو بودیم. برخورد‌های دردناکی در دادگاه و دادسرا و هنگام دادخواهی با آن مواجه شدیم. همه اینها آن سوگ را برای ما سخت‌تر کرد. تنها کاری که می‌توانیم بکنیم این است که به‌صورت شخصی آرام و این غم بسیار بسیار دردناک و غیرقابل توصیف را به کارهای خیر بزرگ تبدیل کنیم.

اسدی لاری: البته در تکمیل فرمایشات خانم دکتر بگویم که به دلیل اعتراضات سال گذشته و همچنین بنابر مشکلاتی که امسال خانواده‌های داغدار نتوانستند مراسم عزیزان خود را بگیرند، یکی از بحث‌های سوگ جمعیتی بود که تجربه کردیم. همه این داغ‌دارند جمع می‌شوند و فرایند می‌شوند و آثار خود را نشان می‌دهند و حتی برای ما، تأثیر خیلی بدتری هم می‌گذارد و برای باقی مردم نیز همین است.

محسن اسدی لاری و زهرا مجد، دو فرزند خود، محمدحسین و زینب اسدی لاری را در پرواز PSY۵۲ از دست دادند. آن‌ها در گفت‌وگو با هم میهن از روزهای سخت پس از این حادثه در طول این چهار سال سخن گفتند و ناگفته‌هایی از مراحل شکایت و روند رسیدگی به پرونده عزیزان خود را مطرح کردند که در ادامه می‌خوانید.

لطفاً از حال و هوای خودتان بعد از گذشت چهار سال از این حادثه تلخ برای ما بگویید.

محسن اسدی لاری: به هر حال پس از این اتفاق هر روز برای ما سخت است. بچه‌ها آمده بودند و در همان دو هفته‌ای که در تهران بودند، بعد از مدت‌ها با هم بودیم و با توجه به اینکه محمدحسین پیشرفت و استقلال قابل ملاحظه‌ای هم داشت، می‌خواست با دختر مورد علاقه خود ازدواج کند. آن‌ها هم از خانواده بسیار خوبی بودند و محمد پسندیده بود. قرار بود فرودین همان سال، دوماه و نیم بعد از بازگشت بچه‌ها برویم و عقد محمدحسین را برگزار کنیم. وقتی ساعت سه صبح بچه‌ها را به فرودگاه رساندیم، زینب گفت این‌بار خیلی خداحافظی نمی‌کنیم و قرار است به‌زودی هم‌دیگر را ببینیم و شد آنچه که شد. برای ما هر روز بعد از این حادثه سخت‌تر از دیرروز است. الان نمی‌توانم کلمه‌ای برای این حال پیدا کنم اما ارجاع می‌دهم به صحبتی که خانم دکتر همیشه می‌گوید که یک افسردگی و یک سوگ پیش‌رونده است و تمام‌شدنی نیست.

زهرا مجد: شاید واژه‌های مناسبی در لغت‌نامه رایج مورد استفاده مردم برای اینکه بگویم در این چهار سال چه بر ما گذشت، نتوانم پیدا کنم. خیلی از اوقات با خودم فکر کردم و گفتم که لازم است برای سوگ واژه‌های جدیدی برای آنچه که بر ما گذشت، پیدا کنم. چون اگر تعریفی از سوگ داشته باشیم و مراحل مختلف سوگ را که افسردگی، انکار و پذیرش را در بر می‌گیرد، در نظر بگیریم، سیر هیچ کدام از اینها در ما طی نشد. ما علاوه بر اینکه سوگ پیش‌رونده داشتیم، سوگ جمعیتی را نیز تجربه کردیم. یعنی چند جنبه سوگ را تجربه کردیم. شاید اگر کسی عزیزی را از دست می‌دهد، مورد حمایت‌های عاطفی قرار می‌گیرد و یا جایگزینی برای آن عزیز پیدا کند، به هر صورت این سوگ ممکن است به‌صورت لکه تاریکی در قلبش بماند و با آن همزیستی کند اما احساسی که من و همسرم تجربه می‌کنیم، با سوگ خودهمزیستی به معنای رایج نتوانستیم پیدا کنیم چراکه این سوگ از جنبه‌های مختلفی بر ما وارد بود. یکی از آن جنبه‌ها، خشم فروخورده ما بود. ما علاوه بر اینکه به صورت ناگهانی و شوکه‌کننده داغدار عزیزان مان شدیم، برای ما تقدیر این موضوع ناراحت‌کننده بود که در فاصله خداحافظی